



زیان‌ها و خسارات اقتصادی ناشی از ابتلای گاوهای شیری به لنگش

دکتر محسن نوری
دکتر ایرج نوروزیان

لنگش بعد از ورم پستان و مشکلات تولید مثلی سومین عامل حذف زودرس در گله‌ها محسوب می‌شود. البته به فراتر از آن تعریفی که هر فرد از حذف دام می‌کند بستگی دارد. برای مثال، گاوهایی که با هدف فروختن گله را ترک می‌کنند، یا آنهایی که به علت تولید پایین و با دلایل کاملاً اختیاری (با خواست و میل دامپرور) گله را حذف می‌کنند. در عین حال گروهی وجود دارد که به علت مشکلات تولید مثلی، بیماری‌ها و جراحات، مردن، ورم پستان، یا ناشی از مشکلات اندام حرکتی به طور کاملاً غیر اختیاری از گله حذف می‌شوند. در حقیقت وقتی دام با چنین دلایلی و بدون اظهارنظر دامپرور حذف می‌شود، به آن غیر اختیاری می‌گویند. با نگاهی متفاوت می‌توان چنین گفت که حذف دام یک فرآیند اختیاری می‌باشد که برای حذف مواردی که توانایی تولید بالایی شیر را ندارند، به کار می‌رود.

در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۰ به روی چهار گله گاو شیری در آمریکا انجام شد، میزان کلی حذف دام ۲۷/۶ درصد برآورد گردید و دامنه نوسانی آن ۱۵/۶ تا ۴۲/۲ درصد بود و میزان حذف دام‌هایی که تاریخچه‌ای از ابتلا به التهاب بافت مورق داشتند ۱/۷۷ برابر سایر دام‌هایی بود که ضایعات بافت مورق را نداشتند. در مطالعه‌ای در آمریکا که به روی ۷۶۱۰ گاو شیری انجام پذیرفت نشان داد که حضور ضایعات کف، احتمال حذف دام را ۲۲ درصد افزایش می‌دهد که در این میان، جراحات ناشی از آبسه خط سفید، خونریزی کف، جداسدگی خط سفید و زخم کف به ترتیب ۴۶، ۳۲، ۶۹ و ۳۴ درصد احتمال حذف دام را فراهم می‌سازد. براساس مطالعه انجام شده در سال ۱۹۹۶ در انگلستان، هزینه یک دام حذفی که از ناحیه کفی به لنگش مبتلا شده در حدود ۵۸۸ دلار برآورد گردید و خسارت سالانه لنگش برای ۱۰۰ راس گاو شیری در اروپا، از ۱۷۵۰ تا ۳۷۲۴ دلار برآورد شده است. از آن جا که شناخت عوامل منجر به حذف چنین گاوانی می‌تواند به قضاوت مدیریتی بهداشتی در دامپروری‌ها کمک به سزایی نماید. لذا مطالعات در این زمینه و روشنگری این عوامل اهمیتی خاص پیدا می‌کند. لنگش شدید باعث کاهش شدید تولید شیر و کارایی تولید مثلی می‌شود. گاوهای لنگ به مرتع نمی‌روند، زمان کمی را در آخور می‌گذرانند، و بیشتر ترجیح می‌دهند که دراز بکشند. چنانچه دام تغذیه

ضرر و زیان چندان قابل ملاحظه نیست. محققین انگلیسی بیشترین ضرر اقتصادی (۶۲۷ دلار) را مدیون بروز زخم کف می‌دانند. بعد از زخم کف، بیماری خط سفید و آبسه کف با ۲۵۷ دلار بیشترین خسارت را به خود اختصاص داده بود. خسارات ناشی از درماتیت انگشتی و گندیدگی سم کمتر از موارد بالا بود و در هر مورد مبتلا ۱۲۸ دلار برآورد شد. افت تولید، کاهش باروری، حذف زودرس دام، شیری که به دور ریخته می‌شود، خدمات و تلاش‌هایی که در جهت حفظ دام مبتلا به لنگش صورت می‌گیرد، همه از عمده خسارات و زیان‌های اقتصادی دام‌های مبتلا به لنگش به حساب می‌آیند. Guard نتایج مشابهی را اما با خسارات اقتصادی کمتر گزارش نمود. این مطالعه براساس مشاهدات بالینی و بر روی گله‌های نیویورک انجام شد. میزان بروز لنگش ۳۰ راس مبتلا مثل ۱۰۰ راس / سال، مرگ و میر ناشی از لنگش ۲ درصد، هزینه‌های درمانی هر مورد مبتلا ۲۳ دلار، و تخمین خسارات ناشی از لنگش در ۱۰۰ راس گاو شیری در طول یک سال برابر ۹۰۰۰ دلار برآورد شد. هزینه‌ی هر مورد گاو شیری مبتلا به لنگش بالینی ۳۰۰ دلار ارزیابی شد. تخمین خسارات ناشی از لنگش در هر دو مطالعه تقریباً مشابه بود. بنابراین واضح است که لنگش یکی از پرهزینه‌ترین مشکلاتی است که بر سلامتی گاو شیری اثر می‌گذارد.

تأمین سلامت اندام‌های حرکتی گاو به مانند سلامت سایر اعضای متشکله بدن در تولید محصولات پر ارزش و فراوان پروتئین حیوانی بی‌نهایت مهم و ضروری است. امروزه لنگش در گاو شیری به عنوان یکی از عمده‌ترین مشکلات دامپروری‌های صنعتی به شمار آمده که با خسارت اقتصادی قابل توجه همراه می‌باشد.

بیشتر موارد لنگش در گاو (۸۸ الی ۹۲ درصد) به علت ابتلای ساختارهای انگشت به جراحات و آسیب‌های مختلف بوده که چنانچه به موقع تشخیص و درمان نشوند می‌تواند توسعه یافته، تا جایی که منجر به آسیب نسوج عمقی‌تر (ساختارهای سینوویالی، اوتار و رباطات انگشتی و...) و حتی استخوان‌ها گردند. در موارد عفونت‌های عمقی انگشت درمان‌های ضد میکروبی به تنهایی به علت نکروز نسج عضلانی نتیجه درمانی را در پی نخواهد داشت و لذا به حذف آن از گله و کشتار زودرس مبادرت می‌شود. در این ارتباط داشتن دلایل روشن بر حذف دام نکته‌ای بسیار مهم است که با بررسی مرتب دام‌های لنگ و مشورت با پرسنل دامپروری و دامپزشک مسوول و با استفاده از ابزارهای تشخیصی و تصویرسازی ساختارهای آناتومیک مسوول میسر می‌گردد.

ضررها و خسارات اقتصادی لنگش ناشی از پیامدهای آن می‌باشد و هزینه‌های درمانی در این

جایگاه انجمن‌های تخصصی کشاورزی در تضمین سودآوری



دکتر بیمان شیرازپور

امروزه در دنیای تولید، تخصص به خوبی توانسته سود و تداوم سود را تضمین نماید. به طور مثال همه‌ی ما افراد با تجربه‌ی تحصیل نکرده‌ای را می‌شناسیم که می‌توانند ساختمانهای چند طبقه، شیک و ارزان بسازند. از طرفی افراد متخصصی وجود دارند که به صورت علمی با هزینه‌ای بالاتر، همان ساختمان را می‌سازند. البته در ظاهر، تفاوت این دو ساختمان در زمان تنش‌های مختلف مانند زلزله، سرمای خیلی شدید، گرمای خیلی شدید و... به مرور زمان خود را نشان می‌دهد و در آن زمان دیگر چاره‌ای جز تحمل ضرر و زیان فراوان وجود ندارد.

در بخش کشاورزی و دامپروری نیز زمزمه‌هایی از تخصص‌گرایی چند سالی است که به گوش می‌رسد و می‌تواند با الگوبرداری از سازمان‌های پیش کسوت مانند نظام مهندسی ساختمان، نظام پزشکی و دامپزشکی و ... و اصلاح ایرادهای موجود در راستای بهره‌گیری در نظام مهندسی کشاورزی و دامپروری سرعتی دو چندان در امر تخصص‌گرایی ایجاد نماید.

در حال حاضر در بخش کشاورزی و دامپروری به علت وجود چارچوبهای اجباری و در مواردی عدم کنترل تولیدکنندگان، عملاً تخصص را ناچیز شمرده‌اند.

امروزه زمانی که متقاضی احداث یک دامپروری یا استخر پرورش ماهی و یا ... به اداره مربوطه مراجعه می‌کند، یک نقشه تپ به او ارائه می‌شود. یعنی عملاً قدرت ابتکار عمل، سلیقه و تخصص را نادیده می‌گیرند در حالی که نقشه می‌تواند توسط متخصصین نظام تهیه و به امضای آنها برسد، سپس به اداره مربوطه ارائه شود. در حال حاضر از قریب بیست سال پیش و حتی می‌توان گفت از چهل سال پیش تاکنون تمام مرعده‌ریها شبیه به هم، تمام گاوداریها کپی برابر اصل و ... می‌باشند. در حالی که در صنعت ساختمان تقریباً هیچ دو ساختمانی را نمی‌بینید که حتی ۶۰ درصد شبیه هم باشند و این نتیجه‌ی محترم شمردن تخصص در این بخش بوده است.

نقطه ضعف بزرگ دیگر، نداشتن آمار صحیح در بخش تولید است که باعث بروز سوالات فراوان می‌شود؛ مانند صدور چندمین مجوز پرورش کروکودیل که با افتخار اولین نامیده می‌شود و حتی در جراید کثیرالانتشار منعکس می‌شود و یا سالن‌های مرغداری که از آنها به عنوان انبار نان خشک و ... استفاده می‌شود ولی در آمار، مرغداری محسوب می‌شوند و یا یک کارشناس چندین کارگاه را اداره می‌کند. از آن طرف بسیاری از کارشناسان بیکار و بسیاری از کارگاهها بدون کارشناس می‌باشند. در بخش کشاورزی نیز مصرف بی‌رویه کودهای ازته باعث شده کمتر کشوری حاضر به قبول ریسک پذیرش چنین محصولاتی شود و یا عدم کنترل تولید محصولات به خاطر نداشتن الگوی تولید کشوری، باعث ایجاد عدم تعادل در تولید گردیده است. همان‌طور که همه شاهد بوده‌اند که یک سال همه یک محصول را می‌کارند و بازار ندارد و سال دیگر هیچ کس نمی‌کارد و تورم ایجاد می‌شود. در نهایت به نظر می‌رسد با توجه به شرایط کنونی، تشکیل انجمن تخصصی و به دست گرفتن قسمتی از اختیارات نظارت بر صدور مجوزها و شکل‌گیری کارگاههای تولیدی و روند تولید آنها بتواند علاوه بر تسهیل صدور مجوزهای گوناگون، با ارائه خدمات و نظارت تخصصی، سودآوری و تداوم سودآوری طرح را تضمین نماید.

کافی نداشته باشد، نمی‌تواند شیر تولید نماید و به مرور با افت وضعیت بدنی روبه‌رو خواهد شد. تحت چنین شرایطی دام مبتلا یک حذفی تلقی می‌شود و علت آن کاهش تولید می‌باشد. در مطالعه Juarez و همکاران مشاهده شد که به همان اندازه که درجه لنگش افزایش می‌یابد، به همان مقدار هم تولید شیر کاهش می‌یابد. متشابهاً، کارایی تولید مثلی کاهش می‌یابد. در مطالعه‌ای که اخیراً توسط Melendez و همکاران صورت پذیرفت، مشاهده شد که گاوهای شیری که در ۳۰ روز اول پس از زایش به لنگش مبتلا می‌شوند، با میزان پایین تعداد تلقیح به ازای هر آبستنی (۱۷/۲ درصد در مقابل ۴۲/۶ درصد)، میزان پایین کل آبستنی (۸۵ درصد در مقابل ۹۲/۶ درصد)، و با میزان بروز بالای بیماری‌های کیستیک تخمدان (۲۵ درصد در مقابل ۱۱/۱ درصد) همراه می‌باشد. همچنین، در این تحقیق میزان حذف دام‌های مبتلا به لنگش و غیر مبتلا پیش از آغاز فعالیت‌های تولید مثل (۹۵ روز) به ترتیب ۳۰/۸ درصد و ۵/۴ درصد مشاهده شد.

در آمریکا، گاوهای حذفی مبتلا به لنگش مستقیماً ۱۵ درصد موارد را به خود اختصاص می‌دهند. از سوی دیگر با توجه به خسارات ناشی از لنگش در افت شیر و کارایی تولید مثلی، اثرات غیر مستقیم لنگش به راحتی تا ۴۹ درصد موارد حذفی را در گله‌های شیری آمریکا به خود اختصاص می‌دهد. البته این عقیده نیز وجود دارد که در زمان مورد توجه قرار دادن اثرات لنگش بر میزان حذف، اهمیت لنگش کمتر از آن چیزی که وجود دارد، تخمین زده می‌شود. تاکید بیشتر در حفظ و نگهداری از پرونده‌های ثبتی ممکن است در درک درست از میزان بروز لنگش و ارتقای آگاهی از اثرات لنگش بر کارایی و سوددهی دام‌ها موثر باشد.

در پایان، مطالعه‌ای در انگلیس نشان داد که ارزش لاشه دام‌های مبتلا به لنگش، نصف ارزش لاشه دام‌هایی است که به دلایل دیگر به کشتارگاه فروخته می‌شوند. دام‌های مبتلا بیشتر زمان خود را صرف دراز کشیدن می‌کنند و وضعیت عمومی بدن آنها افت می‌یابد. کاهش ارزش گاوهای شیری حذفی ناشی از لنگش یکی از مهمترین عوامل ضرررسان می‌باشد که غالباً از آن چشم‌پوشی می‌شود. دام‌هایی که اندام‌های حرکتی آنها با مشکلات وخیم یا پیچیده‌ای همراه شده است نیازمند ارزیابی بوده و باید به دقت درمان شوند. هدف از عملیات درمانی باید رهایی از درد و عذاب باشد که دام به آن دچار شده است، به طوری که دام به گله برگردد یا آن که برای حذف احتمالی به کشتارگاه آماده شود. با توجه به هدفی که در بالا ذکر شد، هر زمانی که درد به قدر کافی قابل کنترل نباشد، باید به مرگ با شفقت دام فکر نمود.

منابع در دفتر مجله موجود است.